

یادداشت

مجاهد عارف

علی محمد رضایی

● با اندیشیدن به همبستگی و همگرایی حاکم بر فضای کشور در نتیجه به شهادت رسیدن سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، این سؤال مطرح می‌شود که چه عواملی باعث شکل‌گیری این حجم از همبستگی و همگرایی بین آحاد و اقشار جامعه شده است؟ سردار سلیمانی چه ویژگی‌هایی داشت که شهادتش باعث این همه همبستگی و همگرایی شده است؟ یکی از ویژگی‌های شهید سلیمانی از بعد شخصیتی، جمع اضعاد بودن او بود، یعنی باوجود اینکه سخت‌ترین نبردها را با دشمنان بشریت فرماندهی و مدیریت می‌کرد ولی روش او در مواجهه با دوستان و هم‌وطنان و هم‌کیشان خود روش نظامی و با روحیات نظامی‌گری نبود بلکه این رابطه مریدی و مرادی بود؛ مرید فرمانده‌اش و مراد سربازنش بود و محبت و عشق نقطه ثقل این رابطه بود. درحالی‌که کار بسیار سختی است که یک فرمانده نظامی اجازه ندهد روحیات نظامی‌گری که مهم‌ترین ویژگی‌اش استفاده از قدرت و قوه امره است، شاکله او را شکل دهد و مانع رابطه‌ای عاطفی شود. می‌توان گفت معلم شهید سلیمانی در این سلوک عرفانی‌اش در دوران معاصر، شهید چمران بود.یکی از ویژگی‌های سردار سلیمانی از بعد سیاسی و اجتماعی – که شهادتش باعث این حجم همبستگی و همگرایی در بین آحاد و اقشار جامعه شده است – این بود که او دشمن را خوب می‌شناخت و جای دوست و دشمن را عوض نمی‌کرد. او در جغرافیای ملی، هیچ‌گاه نسبت به هیچ‌یک از جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران پرخاشگری نکرد و در حقیقت وحدت و اتحاد ملی را در گرو قبول تکرر در جامعه می‌دانست و این مهم را به‌صراحت در سخنرانی‌های خود بیان می‌کرد. به نظر می‌رسد حضور چندساله او در کشورهای همسایه و آشنایی با نقاط ضعف و قوت آن کشورها، او را به این نکته معتقد کرده بود که تنها راه داشتن جامعه‌ای امن و متحد، پذیرش و قبول جریان‌ها، آرا و افکار گوناگون در جامعه است و مشی عملی او در مواجهه با شخصیت‌ها و جریان‌های سیاسی و فکری مؤید این ویژگی سردار بود و هیچ‌گاه از جریان‌ها و احزاب داخلی تعبیر به دشمن نمی‌کرد بلکه دشمن در نگاه او سلطه جهانی بود و تمام هم‌غرضش این بود که توطئه‌های آمریکا و رژیم اشغالگر را در منطقه خنثی کند.یکی دیگر از ویژگی‌های شهید سلیمانی این بود که او امنیت را مقول‌های تک‌بعدی نمی‌پنداشت و فرمانده‌ای تک‌ساحتی و تک‌بعدی نبود و جنگ را تنها راه برقراری امنیت، نمی‌دانست. باوجوداینکه مجاهدی شجاع و خیره بود، به دیپلماسی و گفت‌وگو و اقناع سازی اعتقاد راسخ داشت و مدام در حال گفت‌وگو با جریان‌ها و شخصیت‌های جهان اسلام بود. خود و مجموعه تحت فرماندهی‌اش را بازاری درون منظومه تمدن اسلامی می‌دید و هرگز رفتاری خودسرانه نداشت بلکه مدام با ارکان نظام در ارتباط بود و براساس منافع و مصالح ملی و اسلامی حرکت و اقدام می‌کرد.بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که از بعد شخصیتی، شهید سردار حاج قاسم سلیمانی با سلوک عرفانی خود با مردم و هم‌رزانش رفتار می‌کرد و از بعد سیاسی و اجتماعی، اعتقاد به پذیرش همه جریان‌ها و افکار سیاسی و اجتماعی در جامعه و لزوم زندگی مسالمت‌آمیز داشت و از نگاه تخصصی و نظامی، جهاد را به‌عنوان مؤلفه‌ای از منظومه تمدن اسلامی می‌دانست و هرگز نگاه تک‌بعدی به مقوله امنیت نداشت و با اعتقاد به اصل هم‌افزایی از ایجاد تفرقه در درون جامعه اسلامی بر حذر بود و تمام هدفش، کم‌آثر و بی‌اثر کردن توطئه‌های دشمن مشترک جهان اسلام بود؛ همه این عوامل باعث شد که شهادت او این حجم از همگرایی و همبستگی را در جامعه به وجود آورد.

«استاد دانشگاه و پژوهشگر معارف اسلامی

شرق: صبح دیروز مجمع گفت‌وگوی تهران؛ بیست‌وسومین کنفرانس بین‌المللی خلیج فارس در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه با حضور محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در این مجمع ضمن گرامیداشت یاد شهید سلیمانی گفت: «امروز به واسطه جنایت آمریکا یکی از شجاع‌ترین و باتدبیرترین دوستانم را از دست داده‌ام، امروز مردم ایران و منطقه عزادار ازدست‌دادن این سردار بزرگ هستند».

به گزارش «شرق» او در وصف سردار سلیمانی ادامه داد: «شهید شهید قاسم سلیمانی ندای استقلال‌طلبی منطقه‌ای بود که دهه‌هاست به واسطه شهوت بی‌پایان اربابان زر و زور بین‌المللی و متحدین نادان و فرصت‌طلب‌شان در منطقه به شرایط ناگواری از تجمع مشکلات و گرفتاری‌های چندلایه دچار شده است. آنچه در آغازین

ساعات روز جمعه ۱۳ دی ماه اتفاقی افتاد، نه‌تنها حمله به حاکمیت ملی عراق و ترور وحشیانه و بزدلانه سردار سرافراز ایران بود، بلکه هدف‌قراردادن یکی از ارکان تأمین‌کننده امنیت در داخل این جغرافیای دستخوش توطئه‌های گوناگون، از القاعده گرفته تا داعش و جبهه النصره بود. گروهک‌هایی که دست‌پورده ایالات متحده آمریکا و مستخدمین منطقه‌اش هستند و بزرگ‌ترین دشمن خود را سردارانی چون قاسم سلیمانی می‌دانند. جای تعجب نیست که رئیس‌جمهور بی‌ادب و گستاخ آمریکا با ارتکاب خطایی راهبردی برخاسته از حماقت و تکبر، بزرگ‌ترین فاتح نبرد علیه تروریسم و افراط‌گرایی و صلح‌سازترین ژنرال منطقه در چند دهه اخیر را ترور می‌کند و البته این بار قمار بزرگی کرده است و بداند وعده الهی تخلف‌ناپذیر است که حق پیروز است والله غالب علی امره».

خطای عمیق محاسبات واشنگتن نسبت به ایران و منطقه

ظریف خطاهای استراتژیک آمریکا در منطقه را این‌گونه تحلیل کرد: «یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که منطقه پیرامونی ما گرفتار آن است، برداشت‌های غلط و سوء محاسباتی است که عمیقاً بر معادلات این منطقه تأثیر گذاشته و می‌گذارد. اینجانب بارها بر این نکته تأکید کرده‌ام که این اختلال شناختی و سوء محاسبات برخاسته از آن، یکی از مزمن‌ترین ریشه‌های بحران فعلی منطقه است. ایالات متحده برای چندمین بار نشان داد که چگونه می‌تواند با سوء محاسبات و برداشت‌های غلط از اوضاع داخلی ایران و منطقه، گام‌های خطرناکی را در ناامن‌کردن جهان و البته و مالا کشور خود بردارد. عمق حزن و اندوه ملل منطقه و جهان اسلام و به‌ویژه تشیع مردمی و مسلمانان این منطقه‌ها و عراق از پیکرهای مطهر سردار شهید سلیمانی و هم‌زمان جاودانه‌اش از جمله شهید ابومهدی المهندس انجام دادند، مهم‌ترین نشانه خطای عمیق برداشت‌ها و محاسبات واشنگتن نسبت به ایران و منطقه است. تنها به این آمار توجه کنید که هزینه سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه غرب آسیا در دوران رئیس‌جمهور فعلی آمریکا با افزایش یک‌تریلیون دلاری به هشت تریلیون دلار رسیده است. این جدا از خون‌ها و جان‌های معصوم بی‌شماری است که با این سوء محاسبات ریخته و از دست رفته‌اند».

شکاف و نبردهای منطقه

وزیر امور خارجه کشورمان ادامه داد: «بعید می‌دانم بر کسی پوشیده باشد که بسیاری از رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا و این بار ترامپ، برای اهداف کوتاه‌بینانه سیاست داخلی خود، یک منطقه و حتی جهان را به آتش و خون کشیده‌اند. متأسفانه

امروز با بزرگ‌ترین دروغ تاریخی روبه‌رو هستیم که ایالات متحده آمریکا با این همه کشتار و خونریزی، به دنبال خیر و صلاح جمعی و صلح و امنیت در جهان و منطقه است. منطقه ما به دلیل تجاوزهای بی‌پایان ایالات متحده آمریکا و درگیری‌های چند سال اخیر دچار وضعیت جنگ بی‌پایان، افراطی‌گری و خشونت شده است. به دلیل نگرش و رفتار ایالات متحده آمریکا و دنباله‌روان آن، جنگ که به عنوان یک استثنا در روابط بین‌الملل شناخته شده، متأسفانه به یک هنجار و قاعده در منطقه تبدیل شده است. این حلقه معیوبی است که باید توسط کنشگران منطقه و تمامی آنهایی که متعهد به صلح و آرامش هستند شکسته شود. متأسفانه این اختلال شناختی و سوء محاسبات صرفاً به ایالات متحده منحصر نیست و برخی متحدین و همفکران منطقه‌ای آن نیز به دلیل وابستگی مطلق به بیگانگان و خرید مشروعبیت و امنیت از خارج، همین مسیر غلط و فاجعه‌بار را در پیش گرفته‌اند، مسیری که به شکاف‌ها و نبردهایی انجامیده که امروز بیش از هر زمان دیگری قابل مشاهده است: از نبرد نیجارا گرفته تا برخورد راهبردها. تاسف‌بارتر آنکه این شکاف و نبردهای در جریان منطقه‌ای، فضای تنفس را برای نیروهای شر در داخل و خارج منطقه فراهم کرده است که با سوء

استفاده از این شرایط و از طریق برساختن تهدیدهای جعلی و ناامن‌سازی‌های مصنوعی به گسترش حضور نامشروع و غیرقانونی نظامی خود در منطقه بپردازند، که مهم‌ترین بروز آن در درد و رنج بی‌پایانی است که ملت‌های مظلوم منطقه از افغانستان تا عراق و سوریه و یمن و لیبی تحمل می‌کنند. وجه دیگر این سیاست‌های مخرب و آتش‌افروزانه، فروش صدا میلیارد دلار سلاح‌های ویرانگر به منطقه است که معادل یک‌چهارم کل فروش سلاح در جهان است.»

نزدیک‌بودن راه‌حل بحران‌های منطقه

محمدجواد ظریف درباره تصریح کرد: «اختلالات و کمبودهایی که امروزه در منطقه شاهد آن هستیم، از حیطی گفت‌وگوی میان‌منطقه‌ای گرفته تا فقدان تعاملات ساختاری و نهاده‌پنه‌شده، همه نشانه‌های باری از این واقعیت است که شرایط منطقه رو به بهبود نیست. این تجمیع و تعمیق بحران‌ها شاید برای برخی به این معنی باشد که منطقه در یک بن‌بست مفهومی و عملی قرار گرفته است.

به‌عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران عمیقاً معتقدم که اگرچه راه‌حل بحران‌های کنونی

سیاست

ظریف خطاب به متحدان منطقه‌ای آمریکا

آیا هنوز می‌خواهید امنیت خود را وامدار آمریکا باشید

اخراج آمریکا از منطقه، سرنوشت محتوم استفاده از جنگ، تحریم و ترور است



از چپ:

محمدجواد

ظریف

و علی

خامنه‌ای

به‌ظاهر دور به نظر می‌رسد؛ اما در واقع نزدیک و در دسترس است. برای اینکه این دور را نزدیک کنیم، علاوه بر اراده سیاسی و تجمیع توانایی‌های منطقه‌ای، نیازمند یک تغییر پارادایمی هستیم؛ تغییری که علاوه بر شجاعت یک تلاش دسته‌جمعی را لازم دارد؛ پارادایمی که امروز بر منطقه ما تحمیل شده و دانسته یا ندانسته، از سوی برخی در منطقه بازتولید می‌شود. به این اصل قرائ گرفته‌است که سلاح آمریکایی و جنگ، امنیت می‌آورد. به باور من آنچه در پهنه جغرافیایی غرب آسیا و خلیج فارس امنیت آورده و صلح پایدار تولید می‌کند، ارتقای همبستگی درون‌منطقه‌ای، تفاهم مشترک و روابط مبتنی بر همکاری است.»

ضرورت گفت‌وگو

او همچنین بر ضرورت استفاده از ظرفیت گفت‌وگوی منطقه‌ای تأکید کرد و گفت: «سنگ بنای هر حرکت معناداری در این منطقه از فهم متقابل آغاز می‌شود و مفاهیم نیز نیازمند گفت‌وگو است. آنچه امروز منطقه بیش از هر زمان دیگری به آن نیازمند است، یک گفت‌وگوی فراگیر و جامع درون‌منطقه‌ای است. این بنای طرحی است که ایران سال‌ها در چارچوب سازمان ملل متحد به دنبال آن بوده است؛ طرحی که امروز با

ابتکار رئیس‌جمهوری محترم ایران به‌عنوان پویش صلح هرمز شناخته می‌شود. این ابتکار با درنظرگرفتن واقعیت‌های منطقه و با باور قطعی بر اینکه یک معماری جدید و فراگیر به دور از زبان تجاوز و تهدیدی که میراث استعماری برای این منطقه بوده است، نه فقط ممکن؛ بلکه ضروری‌ترین امری است که همگان باید در این منطقه به دنبال آن باشیم. این همان منطق

و زبانی است که اربابان زر و زور که منافع خود را در جنگ و شکاف می‌بینند، از آن بیزارند و با تمام وجود حتی با تیر به دنبال جلوگیری از آن هستند.»

مخایره ندای صلح و آرامش از ایران به منطقه

ظریف درباره صلح‌طلب‌بودن مردم ایران یادآور شد: «مسیری که آمریکا برای خود و منطقه در پیش گرفته است، مسیر نامنی، جنگ و خونریزی است؛ اما ایران به‌عنوان صدای واحدی که از قلب تک‌تک فرزندان این مرزوبوم کهن و پرغور برمی‌خیزد، ندای صلح و آرامش برای منطقه است. اخراج ایالات متحده آمریکا از منطقه غرب آسیا، سرنوشت محتوم استفاده افسارگسیخته واشنگتن از ابزارهای جنگ، تحریم و ترور است. ایالات متحده آمریکا جواب قاطع و حتمی گستاخی خود را در زمان و مکانی که حداکثر درد را احساس کند؛ خواهد گفت؛ اما در اینجا مایلم به‌عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران این پیام را به منطقه ارسال کنم که تهران همچنان لنگر صلح و امنیت و محور توسعه منطقه‌ای خواهد ماند. جمهوری اسلامی ایران راه‌حل‌گراست و همه کشورها منطقه باید محور راه‌حل در پونده‌های متعدد منطقه باشند. البته روشی است که در این مسیر همراهی همه همسایگان و گام‌های روشن از سوی همگان ضروری است. امنیت با سنگ‌اندازی در حريم همسایه حاصل نمی‌شود. باور ما، امنیت برای همه است. این نقطه مهمی در تاریخ منطقه و جهان است تا کم‌شورهای پیرامون تنگه هرمز، با کنارگذاشتن پارادایم حذف و دشمن‌تراشی براساس ترس و تهمد خرید و توسعه از خارج که حاصلی جز جنگ و ناسامانی برای منطقه ما و جهان نداشته است و با پذیرش پارادایم فراگیری و هم‌افزایی منطقه‌ای که تنها روش واقع‌بینانه خروج از تسلسل بحران کنونی است، به سوی آینده‌ای سعادتمند و شکوفا با چشم‌اندازی روشن برای نسل‌های آتی برویم و این تحقق بزرگ‌ترین آرزوی برادر شهیدم سردار قاسم سلیمانی است.»

صادرنکردن ویزا وورشکستگی دولت آمریکا

محمدجواد ظریف در جمع خبرنگاران در حاشیه برگزاری این مجمع درباره اخبار مربوط به صادرنشدن ویزای او برای سفر به نیویورک و شرکت در اجلاسی در شورای امنیت سازمان ملل گفت: «آنچه ما خبر داریم، این است که وزیر خارجه آمریکا در تماس با دبیرکل

سازمان ملل متحد گفته است که ما فرصت نداشتیم برای محمدجواد ظریف ویزا صادر کنیم و ویزا صادر نخواهیم کرد و دبیرکل هم در پاسخ گفتند که این حق ایران است که در این اجلاس شرکت کند».

او ادامه داد: من تمایل زیادی برای شرکت در این اجلاس در این شرایط نداشتم؛ اما اجلاس ویژه شورای امنیت برای حفاظت از منشور فرصتی بود که جنایات آمریکا را در آن مطرح کنیم. دولتی که به تروریسم دولتی و اقتصادی و به جنایات جنگی و اقتصادی تهدید می‌کند، خیلی برایش مهم نیست که مفاد موافقت‌نامه مقر سازمان ملل متحد را هم نقض کند؛ اما سؤالی که همه باید از این دولت یاغی بپرسند، این است که از چه چیز می‌ترسند؟ آیا حضور وزیر امور خارجه یک کشور عضو و مؤسس سازمان ملل در شورای امنیت برای حمایت از منشور ملل متحد و چندجانبه‌گرایی آن چنان خطر بزرگی است که نتوانند برایش ویزا صادر کنند. این

نشانه ورشکستگی دولت آمریکا و رژیم ترامپ است و این ورشکستگی هم به خاطر تحلیل‌های غلط آنها است.»

بی‌ارتباطی نشست شورای امنیت به شهادت سردار سلیمانی

ظریف در پاسخ به اینکه آیا نشست شورای امنیت درباره ترور سردار سلیمانی بوده است، تصریح کرد: «نشست شورای امنیت درباره ترور سردار سلیمانی نیست. این نشست از مدت‌ها قبل به پیشنهاد معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه ویتنام که در ژانویه ریاست دوره‌ای شورای امنیت را دارند و در سال جاری که هفتادوپنجمین سال تصویب منشور سازمان ملل است، در نامه‌ای به بنده خواسته بودند از سوی ایران برای بررسی روش‌های تقویت منشور ملل متحد و چندجانبه‌گرایی حضور پیدا کنم. توافق برای حضور بنده در این نشست از مدت‌ها قبل بوده است؛ اما آمریکایی‌ها سعی دارند این تصور را ایجاد کنند که این نشست بعد از ترور شهید سلیمانی درخواست شده و آنها فرصت صدور ویزا ندارند؛ اما چندین هفته قبل درخواست ویزا رفته است و حتما فرصت کافی داشتند. آنچه وزیر خارجه آمریکا مثل همیشه به دروغ بیان کرده است که فرصت نداشتیم، به خاطر وحشت آنها از این است که کسی باید و در سازمان ملل واقعیت را برای مردم آمریکا بگوید. البته آنها اشتباه می‌کنند که فکر می‌کنند دنیا در نیویورک خلاصه می‌شود. ششما از تهران هم می‌توانید با مردم آمریکا صحبت کنید و خواهیم کرد.»

حمایت اروپایی‌ها از مواضع آمریکا

وزیر امور خارجه کشورمان درباره حمایت اروپا از مواضع آمریکا تصریح کرد: «اشتباه اروپایی‌ها این است که خیال می‌کنند با حرف‌زدن در راستای منویات آمریکا، باعث راضی‌شدن آمریکا می‌شوند؛ اما فراموش کرده‌اند این کار فقط آنها را جری‌تر کرده است. با وجود حرف‌های ناروای اروپایی‌ها، پمپئو اعلام کرد اروپایی‌ها از ما حمایت نمی‌کنند».

ابعاد خروج آمریکا از عراق

ظریف درباره اعلام شروع خروج آمریکا از عراق خاطرنشان کرد: «آمریکا یک خطا در سه بعد کرده است. حاکمیت و تمامیت ارضی عراق و قراردادی را که بر اساس آن در عراق بوده، نقض کرده است. عراقی‌ها در اجرای آن قرارداد به آمریکایی‌ها گفته‌اند از عراق خارج شوند. دوم اینکه احساسات مردم منطقه را با این کار جریحه‌دار کرده است و دیدید که علاوه بر عراق و ایران، در کشورهای دیگر مردم با چه عصبانیتی درباره آمریکا صحبت می‌کنند و حتما این هم واکنش‌هایی دربر خواهد داشت. سوم اینکه یک فرمانده بزرگ نظامی ما را شهید کرده است و این کار هم بی‌پاسخ نخواهد بود و حتما آثار این اقدام وحشیانه آمریکا ابعاد مختلفی دارد و خروج‌شان از منطقه شروع کار است و آمریکا حتما از منطقه ما خارج خواهد شد؛ اما به دلیل حمله به یک فرمانده بزرگ ایرانی و نقض حاکمیت ما، پاسخ مناسب در زمان و به شکلی که ما تصمیم می‌گیریم، انجام می‌شود. مسأ در هیجان کار آمریکا قرار نمی‌گیریم. تصمیمات ایران همواره خردمندانه و منطقی بوده. اما اقدام به افزایش تنش در این منطقه از سوی آمریکا انجام شده و آنها مسئول آن خواهند بود.

متحدان منطقه‌ای آمریکا باید تصمیم بگیرند که آمریکا به خاطر عقه‌های شخصی و منافع سیاسی داخلی دو، سه نفر، امنیت همه را به خطر انداخته است و آیا هنوز می‌خواهند امنیت خود را وامدار آمریکا باشند یا به همسایگان خود شریک باشند؟ ما آمادگی این شراکت را داریم. آنها هستند که باید تصمیم بگیرند.»

به خطر افتادن متحدان منطقه‌ای آمریکا

در ادامه این نشست، محمدجواد ظریف در پاسخ به پرسشی اظهار کرد: «ما چند مشکل در این منطقه داریم؛ مشکل شناختی از داخل منطقه و مشکل شناختی خارج از منطقه. دیدیم که ترامپ با اقدام اخیر خود، مشاوران غلطی دارد. معلوم است کسانی که به ترامپ مشاوره داده‌اند و به این گرداب هولناک دعوتش کرده‌اند، نه منافع خودشان را شناخته‌اند و نه از منطقه شناخت دارند.

ادامه در صفحه ۱۵

آینه

نیازمندیها

پس‌انداز پی‌ری در آمریکا

● دنا آتسبیچ دیپالانس؛ داده‌های دفتر سرشماری ایالات‌متحده نشان می‌دهد که میانکین سن بازنشستگی در ایالات‌متحده در حدود ۶۵ سال برای مردان و ۶۳ سال برای زنان است. بن این وجود، سن ۶۳ سالگی، حداقل سن درخصوص سن بازنشستگی در نظر گرفته می‌شود تا افراد بتوانند از مزایایی همچون تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند. داده‌ها نشان می‌دهد افراد به‌طور متوسط حدود ۲۰ سال بازنشستگی را تجربه می‌کنند. طبق یک نظرسنجی که در آمریکا انجام شد جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال انتظار دارند در سن ۶۳ سالگی به بازنشستگی برسند... تأمین اجتماعی در آمریکا از اصطلاح سن بازنشستگی کامل (FRA) برای افرادی استفاده می‌کند که به‌صورت طبیعی و عادی در سن قانونی بازنشسته شده‌اند. به این دسته از افراد مزایای کامل بازنشستگی تعلق می‌گیرد. برنامه خدمات درمانی مدیگر نیز برای افراد ۶۵ سال به بالا است و اگر فردی قبل از این سن بخواهد بازنشسته شود باید به فکر یک شرکت بیمه خصوصی باشد... از نکات قابل توجه این است که برخی فکر می‌کنند هرچه زودتر بازنشسته شوند می‌توانند بیشتر از مزایای تأمین اجتماعی استفاده کنند، درصورتی‌که ممکن است فرد مشمول محدودیت‌های تأمین اجتماعی شود و نتواند تا آخر عمر خود از این مزایا بهره‌مند شود. اکنون با توجه به اینکه امید زندگی بالا رفته و میانکین طول عمر صعودی است، کار عقلایی این است که با تفکر درخصوص آینده، طوری برنامه‌ریزی کرد که دوران بازنشستگی را که می‌تواند بسیار طولانی باشد، با آسودگی سپری شود.

کیم‌ان

ترور شد چون بساط فتنه ۱۰ساله را جمع کرد

محمد ایمانی.. اکنون فصل جدیدی آغاز شده. پس از جنایت اخیر، باید با کسانی که دم از انفعال و نرتمش بودند، به‌عنوان وطن‌فروش و نفوذی معامله کرد. دستگاه‌های امنیتی و مراجع قضائی، پیگیری کنند که از آشوب نیابتی ۸۸ و شعار نه غزه نه لبنان، تا فشار برای خودتخریمی (FATF) و سپس جنگ‌هراسی و گفتن اینکه انتقام نگیریم، چرا این همه تطابق میان طیف مذکور با منویات آمریکا وجود دارد؟ باید از آنها پرسید چرا FATF پس از ترور اخیر، به تحریم تروریست‌های آمریکایی نپرداخت و چرا به جای آنکه آمریکا را تروریست بداند، قربانیان را تروریست می‌داند؟ طی بیست سال گذشته که آمریکا به عملکرد اقتدارسوز طیف فرگیرا امید بسته بود، مدیریت و سیاست و اقتصاد و فرهنگ ما محتاج روحیه جهادی حاج قاسم است. تنها بدین ترتیب است که می‌توان ایمان و امید و اراده پیروزی و پیشرفت را برقرار داشت. دولت و مجلس اقتصاد و فرهنگ و رسانه‌های ما تا از خود گذشته نباشند و تا مغبوض دشمنان نشوند -تا شهیدپور نباشند- به تراز خدمتگزاری حاج قاسم‌ها نزدیک نخواهند شد.

اعتقاد

چند نکته حاشیه‌ای

عباس عیدی.. خیلی‌ها تعجب کردند که چرا ترامپ بر بمباران مراکز فرهنگی ایران تأکید کرده است؟ عملی که حتی فتنه هم انجام نمی‌داد، زیرا مخالف تمام قوانین بین‌المللی است. فقط داعش و طالبان با افتخار چنین می‌کردند. آیا او نمی‌فهمد؟ قطعاً چنین نیست. او اصرار دارد که به جهان بگوید با یک فرد ویژه مواجه هستید که هیچ قانونی برایش اهمیت ندارد، جز خودش. دموکراسی آمریکایی کجاست؟ نه برای دفاع از ایران، بلکه برای دفاع از حیثیت خودشان؟ موضع اروپایی‌ها بسیار بدتر از اقدام ترامپ است. چون ترامپ همین است که هست. ادعایی بیش از این هم ندارد. ولی اروپایی‌ها که ادعای بیشتری دارند، چرا تا این حد منفعل و حتی دنباله‌روی افرادی چون ترامپ و پمپئو هستند؟ چرا مردم سردار سلیمانی را چنین شکوهمند مشایقت کردند؟ این اقدامات چند وجه دارد. یک وجه ماجرا به اقدام تروریستی ایالات متحده برمی‌گردد. هرگاه چنین رفتاری علیه هر شخصیت ایرانی انجام می‌شد، به‌طور طبیعی موجب انزجار و حساسیت می‌گردید. وجه دوم به بازتاب و آثار منفی این اقدام تروریستی مربوط می‌شود. به عبارت دیگر بی‌اعتنایی این اقدام و اهداف بعدی ایالات متحده که ایجاد مشکل در امنیت و تمامیت ارضی کشور است از چشم کسی پنهان نمانده است و مردم برای دفاع از این تمامیت وارد میدان شدند، به ویژه آنکه حمله به یک فرمانده نظامی انجام شده بود و بالاخره وجه شخصیتی مرحوم سلیمانی نیز بسیار برجسته بود. فردی که همسایان صادقانه و نه ریاکارانه معتقد به ارزش‌های انقلابی خود بود و نه تنها دکان دوشنب از این ارزش‌ها درست نکرده بود، بلکه خود و جان خویش را صادقانه وقف آن کرده بود. از میدان مجادلات سیاسی قدرت‌طلبانه بیرون بود و عشق به انجام وظایفش او را از دیگران متمایز کرده بود. مجموعه این ویژگی‌ها یک بسته نگارشی و رفتاری جامع را ایجاد کردند که موجب واکنش این‌چنینی از طرف مردم شد. به‌جز این چهار مورد، دو نکته دیگر هم مانده که مربوط به واکنش تدریجی داخلی و براندازان خارج‌نشین کشور در برابر این حضور مردم است که آنها را جدگانه باید نوشت.